

متن پرسش

با عرض سلام و عرض تسلیت این ایام: اینجانب اعتقاد و نگاهی به امام حسین و عاشورا دارم که می‌خواهم خدمت شما عرضه کنم تا درستی یا نادرستی آن را بفرمایید: باور من این است که امام حسین علیه السلام برای خدا و به خاطر عشق به خدا از همه چیزش گذشت و برای امام حسین اینگونه به شهادت رسیدن یک افتخار است و دیگر یاران امام حسین علیه السلام هم خودشان را فدای امام خویش کردند و به خاطر عشق به امامشان اینگونه شهادت را پذیرفتند و برای آنها هم یک افتخار است و گریه‌های حضرت زینب (س) را گریه خواهر برای برادر نمی‌دانم بلکه گریه در فراق ولی و رهبر خویش است. و معتقدم اگر به ما دستور دادند که هر ساله به یاد این مصیبت عظمی باشیم برای این است که ما هم این چنین درس عشق را یاد بگیریم و در حقیقت چگونه زیستن را یاد بگیریم که هر لحظه باید فدایی امام خویش باشیم اما گریه برای آن حضرت گریه برای عقب ماندگی خودمان است گریه ای است که چرا نبودیم و در رکاب او شهید شویم نه گریه برای اینکه چرا امام را شهید کردند یا برای اینکه آبش ندادند. و اگر می‌گویند مصیبت عظمی به خاطر این است که عده ای که تعدادشان هم کم نیست با کمال بی‌شرمی در مقابل امام خود ایستادند و حرمتش را شکستند و نفهمیدند که این امام از جان خودشان هم عزیز تر است و این هم جای گریه دارد. به خاطر این اعتقاد نمی‌توانم پای هر روضه ای بنشینم و هر نوحه ای را گوش دهم از نوحه‌های صرفاً عاطفی و اینکه فقط به زخم‌های حضرت اشاره می‌کند بدم می‌آید یعنی اینقدر حالم بد می‌شود که تا چند روز نمی‌خواهم پای مجلس امام حسین علیه السلام بروم. سوال دیگری از محضر شما دارم من قلبا خدا و پیامبر، ائمه و امام خمینی و حضرت آقا را دوست دارم هنگام پخش صوت قرآن، دعا، و مجلس امام حسین احساس کنده شدن از جایی را دارم که به شدت بی‌تابم می‌کند و دوست دارم به آنجا بروم و آرزویم هم رسیدن به آنجاست. حتی گاهی به خدا می‌گویم من دنیا را نمی‌خواستم و تو برای آمدن من به دنیا عشق امام حسین را در دلم نهادی تا بیایم و اینجا انتقام آن عزیز را بگیرم قلبم می‌گوید تو باید جوری بمیری که این هزار و چند صد سال عقب ماندگی را جبران کنی. اما در مقام فکر و تفکر نمی‌دانم چرا به همه چیز شک می‌کنم و وقتی هم به سراغ استدلال می‌روم آن اطمینان قلبی که خودم دارم را به من نمی‌دهند و خلاصه دچار تعارض شدم. راهنمایی بفرمایید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- نگاه خوبی است. سعی کنید خودتان با شنیدن آن نوحه‌ها، نظرتان را به

وجه قدسی آن حادثه معطوف دارید ۲- این شک خوب است از آن جهت که وجه متعالی موضوعات مدّ نظرتان قرار گیرد. پیشنهاد می‌کنم «مقالات» آیت الله شجاعی را برای خود به‌عنوان یک مبنای فکری مدّ نظر قرار دهید. بنده نیز مختصراً آن را شرح داده‌ام. موفق باشید